

نوای نوایی خراسان

در آمد اول : موسیقی در خراسان

خراسان از دیرباز مهد تمدن و فرهنگ بوده و شواهد تاریخی نشان می‌دهد که خراسانی‌ها در برپاداشتن آیین‌های رزم، بزم و عبادی و مذهبی این خطه ، با موسیقی انس و الفتی دیرینه داشته‌اند. در طول تاریخ موسیقی خراسان یکی از عوامل مهم و موثر در دوام و انتقال فرهنگ و تمدن خراسانی بوده و در حیات فرهنگ و تمدن این منطقه همواره نقشی ارزنده ایفا کرده است .

تاریخ موسیقی این سرزمین به زمان کوچ آریاها به ایران می‌رسد و در پارهای از نقاط خراسان نغماتی به صورت بکر و دست نخورده حکایت از یک اصالت باستانی دارد. اگر بخواهیم موسیقی خراسان را معرفی کنیم به ناچار باید خراسان بزرگ را مد نظر داشته باشیم و از کرانه‌های غربی خزر تا پهنه‌های ایبورد و نساء و مرو و بلخ و سمرقند و بخارا تا کویرهای خراسان و هرات و مرز هندوچین را مورد بررسی قرار دهیم که البته در این مقاله خراسان فعلی مد نظر است (شمالی ، جنوبی و رضوی). خراسان به واسطه‌ی وسعت جغرافیایی و تنوع پراکندگی، دارای خرده فرهنگ‌ها، باورها، نگرش‌ها و در نهایت موسیقی موعامی متنوع و مختلفی است. به واسطه‌ی وسعت خاک و تنوع گونه‌گونی آب و هوا و شرایط اقلیمی توانایی و استعداد انواع شیوه‌ی معیشتی را داراست و از این رو علاوه بر بومیان منطقه قبایل و طوایف متعدد با تنوع نژاد از عرب‌های سامی تا هزاره و بلوچ و نژادهای کرد و کرمانج و ترک و ترکمن و ... در این قسمت از سرزمین ایران به چشم می‌خورد. به همین دلیل موسیقی این پهنه متنوع بوده و یکی از غنی‌ترین گنجینه‌های فرهنگی موسیقی است که برخلاف بیشتر مناطق ایران از سبک خاصی برخوردار نیست و در نواحی مختلف خراسان وحدت سبک ندارد.

خراسان امروزی را در دو حوزه‌ی بزرگ مورد بررسی قرار دهیم: حوزه‌ی جنوب و شرق خراسان .

این حوزه در شرق خراسان دربرگیرنده‌ی شهرهایی مثل تربت جام

، باخرز ، تایباد ، خوف و با اندکی تفاوت در سرخس است که می‌توان از تربت جام و تایباد به عنوان مرکز این حوزه نام برد. جنوب خراسان که یک حوزه‌ی فرعی موسیقی خراسان محسوب می‌شود، بیشتر در کاشمر متمرکز است ولی دامنه‌ی این حوزه تمام شهرهای جنوب خراسان تا مرز سیستان را در بر می‌گیرد.

موسیقی این دیار موسیقی کویری، نرم و درونی است و در همه‌ی این نواحی سبک خاصی از موسیقی روایت می‌شود که البته در شهرهای مختلف آن دستخوش سلیقه‌های متفاوت بوده است اما با یک روح واحد زندگی مردم آنجا را همراهی می‌کند و به صورت موسیقی با کلام و بدون کلام دیده می‌شود .

از مقام‌های مشهور بی‌کلام می‌توان به مقام «الله» که خود شامل چند بخش است ، اشتر خجو ، مشق پلتان، و ... و با کلام مثل نوایی، سرحدی‌ها ، سبزپری، معراجنامه و ... اشاره کرد. سازمان های متداول این منطقه مثل نوایی، سرحدی‌ها، سبزپری، معراجنامه و ... است.

سازهای های متداول این منطقه دوتار، سرنا، دهل، دایره، دنی بومی و در بعضی مناطق به صورتی خفیف از غیچک استفاده می‌شود که البته ساز خراسانی نیست. در این حوزه از موسیقی خراسان دو تار بیشترین پراکندگی را دارد و در بین مردم از اقبال بیشتری برخوردار است. دو تار در این منطقه از احترام خاصی برخوردار بوده و بالاترین مرتبه‌ی هنرمندی نزد مردم، استادان دوتار نوازی هستند که از آیین‌های بومی آنها روایت می‌کنند. دوتارهای قدیمی و اصیل منطقه بین ۹-۷ پرده دارند و کاسه دوتارهای امروزی بزرگتر از دوتارهای قدیمی ساخته می‌شود . اهمیت فرهنگی دوتار در زندگی خراسانی‌ها در هر دو حوزه و نیز جایگاه علمی این ساز باستانی که پیش‌تر تنبور نامیده می‌شد، مبنای تحقیق بسیاری از اندیشمندان و دانشمندان بزرگ از جمله ابونصر فارابی، صفی الدین ارموی ، عبدالقادر مراغه‌ای و ... بوده است .



حاج قربان سلیمانی

حوزه‌ی شمال خراسان

در خراسان بزرگ پهنه‌ی این حوزه زمانی از کرانه‌های غربی خزر تا پهنه‌های اَبیورد و نساء و مرو بوده اما اکنون شامل شهرهای قوچان، بجنورد، درگز، کلات نادر، شمال چناران - شمال نیشابور، اسفراین، شمال سبزوار و شهرستان مانه و سملقان تا استان گلستان می‌باشد. موسیقی جاری در این منطقه موسیقی کوهستان و جلگه است، نحوه‌ی معیشتی زندگی مردم کوهستان و لطافت چشمه‌های جوشان، دلدادگی‌ها، عارفانه‌ها، مرزداري‌ها، اسارت‌ها، غارت‌ها، سوگ ناشی از دست دادن عزیزانشان در دفاع از مرزهای شرقی و شمال شرقی ایران عزیز موجب آن شده که موسیقی در این ناحیه پشتمانه‌ای از عشق و حماسه و عرفان و سوگ داشته باشد که به صورت‌های مختلف و در قالب آیین‌های متفاوت از گستردگی و تنوع بیشتری هم برخوردار است. موسیقی شمال خراسان از یک زندگی پر فراز و نشیب که جلوه‌ای از سوز و گداز دارد، حکایت می‌کند. نمود عینی آن را می‌توان در آوازها، مقام‌های سازی، رقص‌ها و بازی‌های آیینی - سنتی آنها ملاحظه کرد که در نوع خود شگفت‌انگیز بوده و در طول تاریخ نظر پژوهشگران و موسیقی‌شناسان جهان را به خود جلب کرده است.

موسیقی شمال خراسان به گونه‌های مختلف کردی کرمانجی، ترکی، ترکمنی روایت می‌شود و موسیقی غالب در این منطقه، موسیقی کرمانجی است که از گستردگی بیشتری هم برخوردار است. روایت‌های ترکی در این منطقه بر اساس موسیقی شمال خراسان است و روش‌های مختلفی دیده می‌شود، هم‌چنین روایت ترکمنی این ناحیه فقط در شمال شهرستان درگز وجود دارد جایی که ترکمن‌های مهاجر بخش وسیعی از این شهرستان را برای سکونت برگزیده‌اند. قابل ذکر است که ترکمن‌های ساکن در شهرستان مانه و سملقان در شمال بجنورد موسیقی ترکمنی دارند و در زمره‌ی موسیقی نواحی ترکمن صحرا مورد بررسی

قرار می‌گیرد که البته از موسیقی شمال خراسان نیز تأثیراتی به خود گرفته است، ضمن اینکه در دوتارنوازی‌های شمال خراسان نیز خاصه در بجنورد و جنوب شیروان در منطقه‌ی گلیان، به دلیل مهاجرت بخشی‌ها و نوازندگان دوره‌گرد آنجا به ترکمن صحرا - گاهی رنگ و بویی از دوتارنوازی ترکمن صحرا را می‌توان دید.

حضور فرهنگ‌های مختلف در این حوزه از خراسان تنوعی خاص به موسیقی آن داده است و به دور از تقسیمات سیاسی، قوچان همواره نقش مرکزیت این حوزه از موسیقی را در این منطقه داشته و دارد و در خارج از خراسان به عنوان موسیقی قوچان مطرح می‌شود. از این روی موسیقی قوچان از جهت بررسی حائز اهمیت می‌باشد و بر هیچ‌کس پوشیده نیست که قوچان همواره ظرفیت بالایی در موسیقی و هنرمندان ورزیده‌اش داشته و در شکل‌گیری تمدن خراسانی نقش بسزایی داشته است.

سازهای متداول رایج در این منطقه عبارتند از: دوتار، کمانچه، سرنا (بیق - زورنه - زورنا)، قوشمه، نی چوپان (بلور، بلر)، دهل، دیره (دایره، همان دایره کوچک پوستی است که گاه «آل دفی» هم می‌گویند)، و در قدیم‌تر ردپای سازهای دیگری همچون چگور، شش تار، مزغان، نفیر و ... نیز دیده می‌شود.

حضور نوازندگان دوتار با اعتقادات به شدت برگرفته از عشق و معرفت و مذهب موجب آن گردیده که ساز را وسیله‌ای برای نیایش و پالایش روح انسانی بدانند و نوازندگان اصیل آن هیچ‌گاه بی وضو دست به ساز نمی‌برند.

مقام‌های موسیقی این ناحیه از خراسان به صورت با کلام و بی‌کلام دیده می‌شود، مقام‌هایی که - چه آوازی و چه سازی - از نظر فنی و تخصصی موسیقی آن‌چنان کارشناسانه طراحی و ساخته شده‌اند که با آثار فاخر موسیقی در سطح جهان برابری می‌کنند.

مقام‌های نوایی، تجنیس، شاه ختایی، جعفر قلی، لوی و «آوازی»، مقام‌هایی مثل تورغه، قره دلی، سرموغام (موغام لرباشی) و .. سازی که از جمله مقام‌های برجسته موسیقی قوچان می‌باشند.

مقام در تعریف خاص خودش «یک سیستم صوتی است برای ساختن ملودی که شامل تعدادی معین از صداهاست که فواصل و نقش‌های معین دارند.» مقام، کلید شناسایی موسیقی ایرانی نوشته‌ی خسرو جعفرزاده به نقل از مجله آوا شماره ۶ یا به این صورت "مجموعه صداها و پرده‌های مختلف که بر اساس یک کوک واحد و در محور آن می‌گردند" (کتاب لغت موسیقی نوشته‌ی افراسیاب بیگ‌دلی، ۱۹۶۹، باکو. در همان کتاب تعریف دیگری آمده است که:

مقام بالاترین مرحله‌ی جذابیت در ترکیب ساز و آواز است.

زنده‌یاد حاج قربان سلیمانی نقل می‌کرد که «موغام‌ها نقش تنه‌ی درخت را برای شاخ و برگ آن دارد و در قدیم موغام ارزش بالایی داشت و حتی مقام‌نواز یا مقامی‌نواز هم منزلت خوبی داشت.»

در هر صورت مجموعه‌ای از اصوات زیبا در کنار هم به وحدت رسیده‌اند و دارای شأنی شده و در باور فرهنگی مردم نیز جایگاهی خوش یافته‌اند.

موسیقی در منطقه‌ی قوچان از ویژگی‌های منحصر بفردی برخوردار است و با توجه به موقعیت جغرافیایی از تاثیر موسیقی و فرهنگ‌های همجوار بیگانه نسبتاً در امان مانده است و توسط استادان بزرگ این منطقه حفظ شده و سینه به سینه به عنوان فرهنگ شفاهی و بخشی از شناسنامه‌ی فرهنگی مردم آن منطقه به نسل امروز رسیده است و از استحکام کم نظیری برخوردار است. در شمال خراسان نوازندگان مختلف بر حسب ساز و تخصصشان به مراتب و طیف‌های مختلفی تقسیم می‌شوند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:
- آشق‌ها و ئاشق‌ها .

نوازندگان سازهای سرنا ، دهل ، کمانچه و قوشمه می‌باشند که بیشتر برای اجرای مقام‌های آیینی نقش دارند و در بین آنها کمانچه برای همراهی آواز هم استفاده می‌شود .
- لوتی‌ها ، روتی‌ها ، لوطی‌ها :
نوازندگانی بودند که با " دیره " یا " آل دفی " خود به نقاط مختلف سفر می‌کردند و راویان اخبار بودند و هم ناقلان شیرین شکر شیرین گفتار . آواز می‌خواندند، نمایش اجرا می‌کردند و در قالب نمایش و جملات و اشعار طنزی که به زبان جاری می‌ساختند، جامعه و حکام آن را به نقد می‌کشیدند.
- بخشی‌ها .

هنر بخشی‌ها ادامه‌ی هنر خنیاگران ایران باستان است و شعر، موسیقی ، داستان و افسانه سرایی، حماسه‌پردازی، ستایش خوانی از جمله وظایف خنیاگر بوده است. شعر و موسیقی تخصص و ویژگی‌های بارز خنیاگران بوده که بخشی‌ها نیز باید همین شرایط را داشته باشند . گاه شاعری خوش ذوق و داستان پردازی پرتوان و گاه موسیقیدانی موثر آثار تاریخی ، افسانه‌ای ، آیین و .. را ترکیب می‌نمایند، آنها را برای ثبت و ضبط در خاطر مردم جاودانه می‌سازد.

بخشی‌ها میراث داران واقعی فرهنگ شفاهی قوم هستند. در باور مردم شمال خراسان و قوچان بخشی بالاترین مرتبه‌ی هنری را دارد و آن را نتیجه‌ی عنایت یک موهبت الهی و بخشش علیحده می‌دانند. بخشی‌ها هنرمندان دوتار نوازی هستند که قوت شعر و موسیقی در هنرشان از ویژگی‌های برجسته‌ی آنها می‌باشد ضمن اینکه در سیر مراتب عرفان دارای شان و منزلتی قابل قبول هستند که به راحتی مردم آنها را می‌پذیرند و با آن همراه می‌شوند . بخشی‌ها دوتار را ساز نیایش می‌دانند، سازی که روح مردم را با آن می‌نوازند.

در ترکمن صحرا نیز بالاترین مرتبه‌ی هنرمندی از آن بخشی‌هاست و بخشی برجسته در بین بخشی‌های دیگر را خلیفه می‌گویند. در آذربایجان عاشیق‌های آذری رسالت بخشی‌ها را دارند که زبان گویای قوم خود هستند .

درآمد دوم:

حاج قربان، نوایی از خراسان

پیش‌تر گفته شد که بخشی‌ها بالاترین مرتبه‌ی هنری را در بین مردم خراسان دارند چرا که سیر و سلوکشان در مراقبتی که در طریق

بندگی حضرت دوست در پیش گرفته‌اند، جز این نباید نتیجه‌ای را داشته باشد، مرتبه‌ای که نتیجه‌ی لطف و موهبت الهی و به قول مردم خراسان «بخشش علیحده» از جانب خداوند است. بخشی درباره‌ی مردم این خطه یک «نظر کرده»ی واقعی است و به واسطه‌ی آن نزد مردم شأنی پیدا می‌کند آن چنان که بخشی از مردم می‌شود. بخشی‌ها زبان گویای مردم‌اند، حافظ و رای فرهنگ شفاهی و هویت فرهنگی مردم و اصالت‌های قومی آنها هستند .

از فرهنگ و تمدن خراسان انتظار همین است که مردان بزرگی را در خود بپروراند ، حاج قربان در ادامه‌ی نخبه‌پروری خراسان است که در هنگامه‌ی مولانا، عطار، فردوسی، رودکی و فارابی و ... برسر سفره‌ی پرخیز و برکت آن نشسته‌اند .

مردم حاج قربان را پذیرفته بودند، او نمونه‌ی کاملی از بخشی‌ها بود و یک الگوی قابل ارائه از این باور فرهنگی. حاج قربان سلوکی داشت که در مسیر بندگی آفریدگار، شأنی پیدا کرده بود . استادی او در حفظ و اجرای مقام‌های موسیقی، معرفت و ادب زیبا، انسانیت والا، نجابت فوق‌العاده رفتار، و منش هنرمندی، عنوان «بخشی» را برای حاج قربان زینده کرده بود.

حاج قربان دریافت موسیقی و درک مقام‌ها آن چنان کوشیده بود که در حفظ و حراست و انتقال آن . وی در سال ۱۳۰۲ در روستای علی آباد قوچان متولد شد. از هفت سالگی زیر نظر پدرش کربلایی رمضان مقدمات دوتار را آغاز کرد و برای تکمیل دانش بخشی‌گری‌اش به سیر و سلوک پرداخت و در این راه از محضر استادان بزرگی همچون غلامحسین بخشی جعفرآبادی، خان محمد بخشی قبطافی، ثبوض محمد بخشی و ... کسب فیض کرد و همزمان در محضر تعزیه‌دانان علی‌آباد که از جمله مراکز برگزاری تعزیه و شبیه‌خوانی سنتی در قوچان است، به فراگیری فنون تعزیه و آوازهای آن نمود و به عنوان یک نسخه‌گردان و تعزیه‌دان مجالس تعزیه را مدیریت می‌کرد .

استاد سلیمانی در مقطعی از زندگی‌اش دوتار را کنار گذاشت در سال ۱۳۴۶ و بنا بر توصیه‌ی یکی از روحانیون موسیقی را کنار می‌گذارد و در سال ۱۳۶۶ مجدداً به سفارش و تاکید یکی دیگر از روحانیون محل که فرموده بود «آنچه شما اجرا می‌کنید آبی نیست، که حرام است»، ساز برداشت- و در سال ۱۳۶۹ به جشنواره موسیقی فجر دعوت شد و در آن سال به عنوان پدیده‌ی جشنواره لوح زرین خوانندگی و نوازندگی را دریافت کرد و این شروع همکاری او با جشنواره‌ی فجر و حضور صحنه‌ای او چه در نوازندگی و چه در داوری بخش موسیقی مقامی کشور تا سال ۱۳۸۴ بود که در جشنواره‌های معتبر داخلی از جمله آیین و آواز ۱۳۷۳، موسیقی حماسی ۱۳۷۶ ، گردهمایی و برنامه‌های پژوهشی نهادهای مختلف و اجرای ویژه و فرهنگ‌مدارانه‌ی او در نخستین همایش پژوهشی آواها و نواهای خراسان در سال ۱۳۸۵ در کاشمر، به یقین در یادها می‌ماند. بی‌تردید اجراهای وی در بیش از چهل کشور جهان از جمله آوینیون فرانسه در یادها می‌ماند و حضور تاریخی‌اش را موسیقی شناسان بزرگ دنیا گواهی می‌دهند . فستیوال آوینیون یکی از مهم‌ترین و معروف‌ترین



حاج قربان سلیمانی

جشنواره های نمایش و موسیقی جهان است که همه ساله در شهر تاریخی آوینیون در جنوب فرانسه برگزار می گردد .

سال ۱۹۹۱ جشنواره ی آوینیون شاهد رویدادی بزرگ در عالم هنر بود.

در این جشنواره ۶۰ نفر از هنرمندان برجسته ی موسیقی نواحی و سنتی حضور داشتند . آوینیون در آن سال شانی پیدا کرده بود! نظری محبوبي ، حاج قربان سلیمانی، شامیرزای مردای ... الله اکبر ...

برنامه ی موسیقی فستیوال با اجرای هنرمندان قوچان و تربت جام آغاز شد، آغاز برنامه با موسیقی خراسان جنبه ی نمادین نیز داشت . به دلیل غنای موسیقی این منطقه و سابقه ی طولانی در زمینه ی فرهنگ اسلامی که در آثار دانشمندان بزرگی چون ابونصر فارابی «موسیقی الکبیر» به آن اشاره شده، مورد تحلیل قرار گرفته است .

مجله ی «نول ابسرواتوار» ویژه نامه ی هنری ۲۴ - ۱۸ ژوئیه درباره ی حاج قربان نوشت که :

«این گونه به نظر می رسد که از این دو سیم نوای ارکستری کامل به گوش می رسد، او همزمان با نوای ملودی ریتم همراه را نیز می نوازد . مهارتش در نواختن و استعدادش در موسیقی طبیعی باورنکردنی است . چهار زانو نشسته و بسیار نرم خود را تاب می دهد و موسیقی فراموش شدنی و متفکرانه اش بنا به پیچیدگی ریتم ها، تند و آرام می شود. گاهی اوقات چنان شوری از زیر انگشتان او برمی خیزد که به فلامینکو نزدیک می شود. این مرد یک گنجینه ی جهانی است. او می تواند به راحتی به کردی، ترکی و طبعاً به فارسی آواز بخواند. به این ترتیب حاج قربان به عنوان ستاره ی آوینیون در ذهن موسیقی شناسان جهانی ثبت شد .

من از کودکی ایشان و علیرضا را می شناختم بیشتر در مجالس نغزیه و شبیه خوانی های علی آباد که پیاده از روستای خودمان به همراه پدرم که او هم شبیه خوان است، به علی آباد می رفتیم - روزهای عاشورای هر سال - اما در سال ۱۳۷۳ که به همایش نخستین هنرمندان آواز ایران دعوت شده بودم توفیق یافتم در شب موسیقی شمال خراسان به همراه استاد اجرای موسیقی داشته باشم. استاد که برنامه ام را رصد کرده بود صدایم زد که تو کی هستی ؟ و این شروع مبارکی بود برای من.

حاج قربان فهمی زیبا از کلک خیال انگیز مقام ها پیدا کرده و این مهم وابستگی مرا به خودش بیشتر کرده بود. گاهی جلسات استاد شاگردی ما ساعت ها طول می کشید، از سرشب تا نماز صبح و من در آموختن و ایشان در یاد دادن روز و شب نمی شناختم و در تکمیل دانسته های بخشی گری در حضور ایشان ماندگارترین لحظات را داشتم . زنده یاد حاج قربان به واسطه ی ارزش های فرهنگی نهفته در موسیقی های مقامی که به نوعی پشتوانه ی زندگی اش بود ، احترام خاصی برای آن - موسیقی مقامی - قائل بود . موسیقی دان نجیب و عارفی فهیم بود و وجه حکیمانه ی مقام ها را خوب درک کرده بود و دوتار را وسیله ی خوبی برای آن مفاهیم حکیمانه و زیباشناسانه می دانست و من ندیدم بدون وضو دست به ساز بزنم ، او در زندگی بادوتارش خیلی خوشبخت بود ... و دوتار خود را به پای عشقش پیر کرده بود .

او بخشی از مردم بود

مراتب هنرمندی او و علم بالایش در موسیقی و نوازندگی دوتار، رعایت ظرافت های آوازی با دقت در بیان کلمات و نیز درک عمیق مفاهیم و معانی آنها و ارائه ی زیبای آن. شیرین حکایت می کرد با یک نفس گرم که لازمه ی نقالی و داستان سرایی است و مهم تر از همه این بود که میراثی از مردم را پاس می داشت و مردم بنا بر رفتار شایسته بخشی گری اش او را پذیرفته بودند و جزئی از مردم بود .

دستت را می گرفت و به تاریخ می برد ...

حافظه ی عجیبی داشت، دقت نظر او در خلاقیت و پیچیدگی های مقامی و کلامی فوق العاده بود. حتی سفرهایش را با دقت هر چه تمام تر شرح می داد وقتی از برج ایفل برایم می گفت «در کل عظمت این پل دریغ از یک خال جوش» در نوع سازه تا تعداد پله ها و محاسبه ی ارتفاع آن به رسم خودش، به راحتی خودش را کنار برج احساس می کردی یا وقتی این پیرمرد روستایی از موزه لوور می گفت احساس می کردم دستم را گرفته و قدم به قدم و قسمت به قسمت موزه را به من معرفی می کند .

دقت نظر در ظرایف لازمه بخشی گری است ، حافظه ی بالا در یادگیری و حفظ داستان ها و اسطوره های قومی و آیین های بومی از او



حاج قربان سلیمانی

موسیقی خراسان. با مشورت با آقای هوشنگ جاوید پژوهشگر پرتلاش عرصه‌ی موسیقی و فرهنگ های بومی نواحی کشور از حاج قربان خواهش کردیم که اینجا می‌خواهیم یک سنت قدیمی بخشی‌ها را معرفی کنیم. بعد از مذاکره‌ای جنبه‌ی نمادین و فرهنگ ساز این سنت را برای حاجی تشریح کردیم - در طرح پیشنهادی و مصوب نیز این مهم ذکر شده بود و مسؤولین اداری هم می‌دانستند که قرار است این همایش متفاوت باشد - حاجی که در پس زمینه‌ی ذهنش خاطرات این بخش را از قدیم با خودش داشت ، به فکر فرو رفت و در ضمن یکه خورد و گفت که «من دنبال یک فرصت می‌گشتم و به من گفت هارودن بوسه نی یادیده دو شده (از کجا به یادت افتادم). نتیجه این شد که این پیشنهاد پذیرفت.

پیشنهاد این بود که اگر علیرضا را قبول دارد او را به عنوان جانشین خودش معرفی کند . با احیای این سنت دو هدف مهم محقق می‌شد یکی اینکه آیا کسی هست که در ادامه داستان خانوادگی حاج قربان را ببیماید و به شکلی که او راضی باشد میراث خانواده را به وی بسپارد. دوم اینکه در منطقه فرهنگ سازی شود و دیگر استادان رشته‌های مختلف موسیقی خراسان به فکر معرفی جانشین و تربیت آن باشند، یعنی دوام فرهنگ خودی و اینکه حاج قربان بهترین گزینه برای ما بود و با نام او این اهداف و مقاصد به راحتی عملی می‌شود .

موعد مقرر فرارسید و سالن آمفی‌تئاتر کاشمر مملو از جمعیت مشتاق خراسانی و غیر خراسانی. حاج قربان بعد از اجرای آخرین مقامش در گرماگرم اجرا، آنجا که از مقام ذکر الله در نوایی و بحر طویل مناجات خود با خدای خودش ساز را نگهداشت و گفت :

«می‌خواهم امروز به رسم بخشی‌های قدیم سنتی را انجام دهم ، حالا من پیر شده‌ام و می‌خواهم سازم را به علیرضا بسپارم، در حضور شما و به شهادت شما مردم از ایشان هم می‌خواهم که در حضور شما قول بدهد که هنرمند خوب و شایسته‌ای باشد ... »

اشک‌هایم سرازیر شده بود و نگرانی تمام وجودم را فرا گرفته بود، با اینکه از قبول این مهم خوشحال و خرسند بودم . نمی‌دانم چرا به قول کردها «بی‌هه دور» بودم، آخر قرار نبود ساز را به او بسپارد بلکه قرار بود او را به عنوان میراث‌دار خودش معرفی کند و ... از آن روز به بعد هر وقت او را می‌دیدمش می‌گفت «من اینجا دیگر کاری ندارم باید بروم» و ... - بگذارید بعضی حرف‌های ما به عنوان سرمایه‌ی دلم بماند -

آخ هی ... آخ هی دقیقا یک سال بعد از این روز تاریخی در صبح عاشورا در حالی که وجودش لبریز از شوق و اشتیاق دیدار حضرت حق و اهل بیت (ع) به خصوص مولا علی (ع) و امام حسین (ع) که عاشقانه او را دوست داشت به شهادت «مقام حسین یارش» روحش پرواز کرد. می‌توان گفت بخشی از مردم به زیر خاک رفت .

حاج قربان عزیز به راحتی مرا با یک پنجه تحت تاثیر قرار می‌داد ، به هم می‌ریخت و دیوانه‌ام می‌کرد و با اولین پنجه خودش مرا با خودش می‌برد ... او نوای نوایی خراسان بود . جای پرفیض او برایم خالی است و برای همیشه چشمم به دنبالش می‌ماند . هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق.

یک بخشی دقیق ساخته بود .

رسم خودش را می‌دانست ...

به واسطه‌ی شعور موسیقی‌دانی و روح مردم شناسی و جامعه شناسی فرهنگی که در وجود حاج قربان جاری بود ، دانستن چرایی زندگی هنرمندی و ... رسم هنرمندی خودش را می‌دانست و در هر مجلسی مناسب دان و مناسب خوان خوبی بود و انتخاب مقام و شعرش نسب به هر مجلس به بهترین شکل بود .

او و سازش همدیگر را می‌فهمیدند ...!!!

ماجرای تالار تئاتر شهر را در اجرای سال ۱۳۶۹ جشنواره‌ی فجر آن زمان برای نشریات بیان کرد و اینکه چه حرف‌هایی بین او و سازش رد و بدل شده بود و ..

حاج قربان همیشه به من می‌گفت «این دو تار است که تصمیم می‌گیرد چه هنگام میل به نوازش دارد» او زبان سازش را خوب می‌فهمید و در ادامه‌ی این داستان به من می‌گفت مجتبی جان ساز را برداشتی. با اولین پنجه باید بفهمی که وقت نوازدگی است یا خیر، برنامه‌ات می‌گیرد یا خیر اگر نفهمیدی هنوز خیلی کار داری...؟؟؟!!!

احیا یک سنت تاریخی بخشی‌ها توسط حاج قربان ...

در همایش نخستین آواها و نواهای خراسان که مسؤولیت دبیری آن را داشتیم همایش پژوهش با حمایت و همت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی برگزار گردید - دی ماه ۱۳۸۵ در کاشمر و با حضور ۴ نفر از پیش‌کسوتان و استعداد های ویژه موسیقی خراسان - این همایش ضمن معرفی ارزش‌های نهفته در موسیقی خراسان تلاشی بود برای تجلیل از هنرمندان موثر بر سرنوشت